

## مسئولیت اشخاص و مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال به‌کارگیری سلاح‌های

### مجهز به هوش مصنوعی

سارا خورشیدی اقدم مهربانی<sup>۱</sup>

افشین زرگر<sup>۲\*</sup>

امیر محمودی<sup>۳</sup>

زینب عصمتی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳۱

۳۳۷

#### چکیده

اخیراً به کارگیری سیستم‌های کاملاً مستقل به هوش مصنوعی در عمل انجام‌پذیر شده است و در آینده در گستره وسیعی به کار گرفته خواهند شد. این سیستم‌ها قابلیت آن را خواهند داشت که به طور خودکار اهداف خود را انتخاب، شناسایی و بدون کنترل و درگیری عوامل انسانی مأموریت خود را به انجام برسانند. چشم‌انداز توسعه این سیستم‌ها موجب ایجاد نگرانی‌هایی در میان صاحب‌نظران شده است و ترس آن‌ها از این است که این سیستم‌ها قادر نخواهند بود با استانداردهای قانونی بین‌المللی هماهنگ باشند. این تحقیق سعی دارد تا ضمن بررسی وضعیت حقوقی سلاح‌های مجهز به هوش مصنوعی، در پرتو اصول حقوق بشر دوستانه، نشان دهد که علی‌رغم باور برخی دانشمندان علم رباتیک، هوش مصنوعی هرگز قادر به مراعات اصول حقوق بشر دوستانه نخواهد بود و بی‌شک، در صورت واگذاری استقلال کامل به این تسلیحات و حذف کامل انسان از زنجیره تصمیم‌گیری، حقوق بین‌الملل یکبار دیگر با چالش‌های جدی و جدیدی مواجه خواهد شد. یکی از پرسش‌هایی که به ذهن متبادر می‌شود این است که چنانچه یکی از این سیستم‌ها مرتکب جنایتی جنگی یا نقض حقوق بشر دوستانه شود، مسئولیت آن بر عهده چه اشخاصی خواهد بود و دیگر اینکه نقش نهادهای بین‌المللی در حل و فصل اختلافات ناشی از آن چگونه است.

**واژگان کلیدی:** سلاح‌های هوش مصنوعی، جنایت جنگی، مسئولیت بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی.

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

\* نویسنده مسئول: zargar.a2003@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مسئولیت بین‌المللی به‌مثابه‌ی یک نهاد حقوقی بین‌المللی، عبارت از الزام به جبران خسارت وارد بر تابعان حقوق بین‌الملل است که خسارت مذکور ناشی از عمل یا خودداری از عمل غیر مشروع و مخالف حقوق بین‌الملل (عرفی یا معاهده‌ای) یکی از موضوعات یا تابعان حقوق بین‌الملل باشد. باید اشاره نمود که نقض قواعد حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی باعث ایجاد مسئولیت کیفری و هم مسئولیت غیر کیفری می‌شود. مسئولیت کیفری برای افرادی که قواعد مربوط به این شاخه از حقوق را نقض می‌کنند و مسئولیت غیر کیفری برای دولتی که اقدامات ناقضان قواعد حقوق بشردوستانه به آن‌ها قابل انتساب است. به کارگیری سلاح هوشمند مستقل در میدان نبرد، از یک سو مسئولیت کیفری افراد ذی‌ربط (طراحان و فرماندهان) را به دلیل ارتکاب جنایت جنگی در پی دارد و از سوی دیگر، موجب مسئولیت بین‌المللی دولتی خواهد شد که اجازه‌ی حضور این سیستم‌ها را در جنگ صادر کرده‌اند. فقدان مسئولیت کیفری دولت در حقوق بین‌الملل، انتساب اعمال جنایی به دولت‌مردان و فرماندهان را مخدوش نمی‌کند و انتساب مسئولیت کیفری به افراد نیز مسئولیت بین‌المللی دولت، ناشی از نقض تعهدات بین‌المللی را منتفی نمی‌سازد. همبودی و تقارن این دو مسئولیت در هر دو حوزه‌ی مسئولیت بین‌المللی کیفری و غیر کیفری در اساسنامه‌ها و رویه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و طرح‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است. توانایی سیستم‌های خودمختار در عملکرد بدون کنترل انسان باعث مطرح شدن مسئله مسئولیت شده است، به ویژه اگر کشورها به طور مکرر شروع به بکارگیری و استفاده از این سیستم‌ها کنند برخی از آن‌ها قطعاً حقوق بین‌الملل را نقض خواهند کرد، هنگامی که این نقض صورت گیرد مردم می‌خواهند بدانند که این مسئولیت بر عهده چه کسی قرار دارد. مسئولیت در حقوق بین‌الملل برای ترساندن و ممانعت از نقض قوانین و هم‌چنین حمایت از قربانیان بالقوه حقوق بشر، جنایات جنگی و امثال آن موضوعی ضروری است. به ویژه در بحبوحه جنگ یک شرط اساسی برای درگیری در یک جنگ عادلانه توانایی انتساب مسئولیت قانونی و اخلاقی به شخص یا



نهادی است که جنایت جنگی را مرتکب شده است. تصور می‌شود که بسیاری از اصول جنگ عادلانه بر این مبناست که هر نوع نقض در معرض مسئولیت خواهد بود. در غیاب مسئولیت این اصول ناکارآمد خواهند بود و موجب عواقب فاجعه باری در زمان جنگ خواهد شد. در واقع برخی محققان معتقدند که عدم توانایی در مسئول قلمداد کردن شخص یا نهادی برای جنایات جنگی توسط سیستم‌های خاصی، یکی از دلایل ممنوعیت این سلاح‌ها بوده است. در مورد سیستم‌های با خودمختاری کمتر مسئله مسئولیت مطرح نمی‌شود، سیستم‌های کنترل از راه دور به یک اپراتور انسانی برای هدایت و کنترل نیاز دارند، هم‌چنین برنامه نویسان سیستم‌های اتوماتیک کنترل بیشتری بر روی تهدیدهایی که این نوع سیستم‌ها ممکن است ایجاد کنند، دارند، بنابراین این اشخاص را می‌توان مستقیماً برای جرائمی که توسط سیستم‌های آن‌ها انجام می‌شوند، مسئول قلمداد کرد. از طرف دیگر در سیستم‌های خودمختار انسان‌ها فقط هوش مصنوعی را برنامه‌ریزی می‌کنند و دستورات و اطلاعات کلی را درون آن قرار می‌دهند اما هیچ‌یک از این اقدامات ضرورتاً منجر به یک عملکرد خروجی قابل پیش‌بینی نمی‌شود و مقصر قلمداد کردن یک شخص خاص برای اقداماتی که توسط این سیستم‌ها انجام می‌گیرد، موضوعی دشوار است.

#### ۱. مفهوم مسئولیت اشخاص در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

ظهور مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل، نشانگر اجتماع عناصر حقوق بین‌الملل سنتی و رویکردهای جدید حقوق بین‌الملل در حوزه‌ی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و متضمن سازوکارهای اجرایی داخلی و بین‌المللی است (Malcolm, 2014: 75). مشخص است که نقض جدی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل آن در خصوص مخاصمات مسلحانه نیز موجب مسئولیت کیفری فردی می‌شود. اگر درگیری مسلحانه، موجب تلفات غیرنظامی شود، خواست مردم این خواهد بود که مسئول آن مشخص شود که این امر دو فایده‌ی اساسی خواهد داشت؛ اول از صدمات آینده به غیرنظامیان جلوگیری می‌کند و دوم، حس مجازات را برای قربانیان فراهم می‌کند. وقتی یک سیستم خودمختار تصمیم می‌گیرد این اقدام حاصل استنتاج خود سیستم بوده است سیستم خودمختار بنا بر تعریف، سلاحی است که یک انسان طراح آن



بوده، فرمانده نظامی با استفاده از برنامه‌های نرم‌افزاری نیت دیگری داشته و فرمان دیگری را صادر و ثبت کرده است ولی سلاح هوشمند در اثر تجربه و یادگیری خود در طول زمان، به اقدام دیگری دست‌زده که ممکن است ناقض قواعد اساسی حقوق بشردوستانه باشد و خارج از اراده طراح یا فرمانده یا متصدی دستگاه آن بوده است. پرسش این است که مسئولیت کیفری ناشی از اقدام سلاح خودمختار را باید برای چه کسی در نظر گرفت؟ به منظور بررسی مسئله مسئولیت، محققان به‌طور کلی سه احتمال مشهود برای انتساب مسئولیت طرح کرده‌اند. به‌طور کلی چندین احتمال مشهود برای انتساب مسئولیت وجود دارد: سازنده و طراح روبات، فرمانده نظامی که دستور اجازه استفاده از روبات را داده است، شرکت‌های تولیدکننده و خود روبات، که در اینجا به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۱-۱. فرماندهان نظامی

در ارتباط با مسئولیت فرمانده، اگر او می‌دانسته و یا اینکه باید می‌دانسته که افراد تحت امرش به دنبال ارتکاب جرم می‌باشند ولی اقدامی در جهت جلوگیری از آن نکرده و یا مرتکب را تنبیه ننموده است، مسئولیت او محرز است (Ebrahim, 2012: 41). اولین راهکار برای مسئولیت، فرماندهان نظامی هستند، کسانی که صلاحیت به‌کارگیری سیستم‌های خودمختار را دارند، طبق اصل مسئولیت فرمانده، یک فرمانده برای جرائمی که تحت امرش توسط نیروهایش انجام می‌گیرد مسئول است. نکته این دکتترین این است که مقامات ارشد را به اتخاذ تصمیمات صحیح و کنترل مؤثر تشویق کند و بر اقدامات نیروهای تحت امرش نظارت کند و بدین طریق رفتارهای خطرناک را متوقف کند. طرفداران سیستم‌های خودمختار معتقدند که این ایده می‌تواند برای نقض‌های این سیستم‌ها به کار گرفته شود، در واقع دپارتمان دفاع ایالات متحده خاطرنشان کرده است که اشخاصی که اجازه استفاده و به‌کارگیری این سیستم‌ها را صادر می‌کنند... باید اقدامات لازم برای مراقبت و انطباق با حقوق جنگ، معاهدات حاکم، قوانین مربوط به ایمنی این سیستم‌ها و قوانین حاکم در به‌کارگیری آن‌ها را انجام دهند. این نشان می‌دهد که اگر یک فرمانده می‌دانست یا بداند که به‌کارگیری این سیستم‌ها حقوق بین‌الملل را نقض خواهد کرد، برای جرائم آن‌ها بایستی مسئول قلمداد شود. این مسئولیت فرماندهان

موجب می‌شود تا کنترل بیشتری بر روی این سیستم‌ها داشته باشند و آن‌ها را طوری به‌کارگیرند که کم‌ترین میزان ریسک را داشته باشند. این دکترین برای فرماندهانی که می‌دانند این چنین سیستم‌هایی یک ریسک بزرگ برای جرائم بین‌المللی ایجاد می‌کنند به خوبی قابل اعمال است برای مثال اگر یک افسر نظامی با علم به اینکه به‌کارگیری یک سیستم توانایی در تفکیک بین غیرنظامیان و نظامیان را مختل می‌کند، طبق تئوری مسئولیت فرمانده، می‌توان او را مسئول قلمداد کرد. با این وجود مشخص نیست که همیشه فرماندهان از این نوع ریسک‌ها اطلاع داشته باشند به‌ویژه به این دلیل که آن‌ها خودشان این سیستم‌ها را برنامه‌ریزی یا طراحی نکرده‌اند، هم‌چنین آن‌ها قادر نیستند این سیستم‌ها را بازنویسی کنند تا از نقض‌ها و جرائم آن‌ها جلوگیری کنند (Hammond, 2015:664). به‌موجب ماده ۲۸ اساسنامه رم، به منظور مجرم یا متهم شناختن یک فرمانده وجود پنج شرط لازم است. اولین شرط، ارتکاب یک جرم در حوزه صلاحیت قانونی دیوان کیفری بین‌المللی است. جرائم عمده در ماده ۵ اساسنامه رم فهرست و در مواد بعد تعریف شده‌اند. این جرائم شامل نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی و جرائم تعرض است.

دومین شرط عنوان می‌دارد که متهم باید یک فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً به عنوان یک فرمانده نظامی عمل می‌کند باشد. عبارت «فرمانده نظامی» به فردی اشاره دارد که رسماً یا قانوناً جهت اجرای یک فرمان نظامی منصوب شده است و یا افرادی که در نیروهای غیردولتی در مقام فرماندهان نظامی نامنظم عمل می‌کنند. بنابراین یک فرمانده نظامی ممکن است فردی با بالاترین مقام در سلسله‌مراتب نظامی یا صرفاً یک فرمانده که چند سرباز تحت فرمان او هستند باشد. در تعریف فردی که به عنوان یک فرمانده نظامی عمل می‌کند باید گفت که آن‌ها افرادی هستند که قانون نقش فرمانده نظامی را به آن‌ها نداده است، بلکه این نقش بالفعل به آن‌ها اعطا شده است (Hammond, 2015: 665). شرط سوم مستلزم آن است که نیروهایی که مرتکب جرائم شده‌اند، تحت فرمان و کنترل مؤثر متهم باشند. دیوان کیفری بین‌المللی عنوان داشته است که «کنترل مؤثر» مستلزم آن است که فرمانده دارای توانایی نظامی در ممانعت یا سرکوب ارتکاب جرائم یا ارجاع موضوع به مراجع ذی صلاح باشد. میزان پایینی از کنترل، مثلاً توانایی



تأثیرگذاری، جهت احراز مسئولیت فرمان کافی نیست. عوامل حاکی از «کنترل مؤثر» همان عوامل استفاده شده در دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا هستند. برای مثال، قدرت او در صدور دستورات؛ توانایی او در تضمین تبعیت از فرمان‌ها، از جمله بررسی اینکه فرمان‌ها واقعاً به اجرا درآمده‌اند یا خیر؛ مرجعیت او در اعزام کردن نیروها به محل‌هایی که عملیات‌های جنگی انجام شده‌اند و خارج کردن این نیروها در هر زمانی (Hammond, 2015: 665).

چهارمین شرط، رکن ذهنی است. دیوان کیفری بین‌المللی تمایزی صریح میان ناظران نظامی و ناظران غیرنظامی قائل می‌شود. رکن ذهنی برای یک مافوق نظامی متفاوت از رکن ذهنی برای یک مافوق غیرنظامی است. اگر یک مافوق نظامی محاکمه شود، دادستان باید اثبات کند که «او دانسته است، یا به سبب شرایط موجود، می‌بایست دانسته باشد». اثبات آگاهی واقعی باید بر اساس شواهد مستقیم یا غیرمستقیم صورت گیرد. عواملی که می‌توانند دال بر آگاهی باشند شامل فرمان‌های ارتکاب جرم، یا این واقعیت که به متهم شخصاً اطلاع داده شده است که نیروهای تحت فرماندهی او در یک فعالیت مجرمانه درگیر بوده‌اند را شامل شود. دیگر نشانه‌ها شامل تعداد، ماهیت، دامنه، محل و زمان‌بندی اقدام غیرقانونی و ابزار ارتباطی موجود، شیوهی انجام اقدامات مشابه و محل فرمان در آن زمان است. شرط پنجم بر طبق ماده‌ی ۲۸ این است که «مقام مافوق همه‌ی اقدامات لازم و معقولی را که در توان داشته است، برای جلوگیری یا منع از ارتکاب جرم یا برای طرح مسئله نزد مقامات صلاحیت‌دار به منظور تحقیق و تعقیب به عمل نیاورده است. (Hammond, 2015: 666)

در موردی که فرمانده نظامی تمام مقررات را رعایت کند، در این صورت، اگر روبات به طور غیرقابل‌پیش‌بینی عمل کند و غیرنظامیان را بکشد این نمی‌تواند تقصیر فرمانده باشد. در موردی که یک اشتباه در فرآیند وجود داشته باشد فرمانده نظامی ممکن است مجبور باشد مسئولیت تام برای هر نوع نقض حقوق بین‌الملل که به وسیله روبات ایجاد شده است را بر عهده گیرد. هم‌چنان‌که این دستگاه‌ها بیشتر مستقل می‌شوند پیش‌بینی عملکرد آن‌ها در صحنه عمل بسیار دشوار و ریسک‌هایی که ایجاد می‌کنند بسیار زیاد می‌شود و در نتیجه قابلیت اعمال مسئولیت فرماندهان را محدود می‌کنند. به منظور

مسئول قلمداد کردن فرمانده برای اقدامات این سیستم‌ها که نه می‌تواند آن‌ها را کنترل کند و نه عملکرد آن‌ها را پیش‌بینی کند بایستی به حیطه‌ی فراتر از مسئولیت فرمانده قدم گذاشت. این موضوع هم‌چنین می‌تواند برخی مسائل اخلاقی در مورد مسئولیت جزایی را به همراه داشته باشد. اگر فرماندهان مطلقاً برای اقدامات نیروهای تحت امرشان مسئول نیستند، به نظر می‌رسد عادلانه نیست که برای اقدامات سیستم‌های کاملاً مستقل مسئولیت را بر فرماندهان تحمیل کرد هم چنانکه این سیستم‌ها میزان مشابهی از خودمختاری را اعمال خواهند کرد (Hammond, 2015: 665).

در رابطه با سلاح‌های خودمختار باید گفت که مرتبط‌ترین اقدام فرمانده «فرمان دادن» است. عمل «فرمان دادن» به یک جرم مستلزم آن است که فردی صاحب‌منصب به افراد زیردست خود فرمان ارتکاب به یک جرم را صادر کند. چنین مرجعیتی می‌تواند قانونی یا بالفعل باشد و می‌توان به‌طور مستدلی آن را استنباط کرد. وجود شواهدی دال بر مرجعیت متهم کفایت می‌کند. به منظور اثبات شرط سوءنیت<sup>۱</sup> برای «فرمان دادن» به یک جرم، باید اثبات شود که فرد صاحب‌منصب با آگاهی از احتمال بسیار بالای وقوع یک جرم در صورت اجرای فرمان، اقدام به صدور آن نموده است. ضرورتی ندارد سوءنیت متهم صریح باشد و ممکن است از شرایط موجود استنباط گردد.

به نظر می‌رسد عادلانه نیست که مسئولیت اقدامات این سیستم‌ها را بر فرماندهان تحمیل کرد، چرا که فرمانده نه می‌تواند آن‌ها را کنترل کند و نه قادر به پیش‌بینی عملکرد آن‌ها خواهد بود.

## ۱-۲. مسئولیت کیفری برای اپراتور

در حال حاضر هیچ‌کس را نمی‌توان مستقیماً مسئول اقدامات مستقل و گاه غیرقابل پیش‌بینی یک سلاح خودمختار دانست (Crootof, 2016: 134). به لحاظ فنی، اپراتوری که مستقیماً با هدف کشتار عامدانه‌ی غیرنظامیان و با آگاهی و دانش کامل از آنچه که سلاح‌های خودمختار قاتل قادر به انجام آن هستند را می‌توان مسئول عملی ارتكابی دانست؛ اما از آنجا که سلاح‌های خودمختار قاتل غیرقابل پیش‌بینی هستند، این پرسش

<sup>۱</sup> Mens rea

قابل طرح است که آیا ممکن است یک اپراتور از چنان دانش کاملی راجع به یک روبات دارای هوش مصنوعی برخوردار باشد تا به شروط عمل مجرمانه و سوءنیت تحقق بخشیده شود. سطح غیرقابل پیش‌بینی بودن سیستم‌هایی مانند سلاح‌های خودمختار قاتل، منجر می‌شود که آگاهی اپراتور از آنچه که یک سلاح خودمختار در صورت فعال‌سازی انجام می‌دهد، اگر نگوئیم غیرممکن، بسیار دشوار باشد. به علت غیرقابل پیش‌بینی بودن سلاح‌های خودمختار و اینکه اپراتور به عمل انجام شده توسط این سلاح‌ها فرمان نداده است یا فاقد کنترل بر آن بوده است، مسئول دانستن اپراتور برای این اقدامات امری غیرممکن و نامعقول خواهد بود. یکی از ابعاد کاربردی مسئولیت مستقیم این است که به جریان انداختن سلاح‌های خودمختار قاتل مستلزم حضور بیش از یک فرد است. فرایند اثبات طرف مسئول فرمانی که منجر به مرگ یا صدمه شده است بسیار دشوار است، حتی اگر به پرسش نیت پاسخ داده شده باشد. در موقعیتی این‌چنینی، اپراتور به آسانی می‌تواند بر همین مبنا از مسئولیت فرار کند و به احتمال فراوان همین کار را نیز انجام خواهد داد. در نتیجه مسئولیت اپراتور سلاح‌های خودمختار قاتل قابل تضمین نیست (Ahrin, 2018: 28).

### ۳-۱. مسئولیت طراح یا سازنده

هنگامی که این سیستم‌ها حقوق بین‌الملل را نقض می‌کنند، راهکار دیگر مسئول قلمداد کردن طراح یا سازنده این سیستم‌هاست، این راهکار با هر نوع جرم سیستم خودمختار به عنوان یک حادثه قانونی نگاه می‌کند و سازندگان آن‌ها بایستی برای هر نوع خسارت ایجاد شده به خانواده‌های آن‌ها یا قربانیان این حوادث جبران خسارت کنند (Ahrin, 2018: 365). اگر یک روبات به گونه‌ای غیرقابل پیش‌بینی رفتار کند و در نتیجه این رفتار منجر به خسارتی شود، در این صورت سازندگان باید برای این خسارت یا جبران تلفات یا آثار آن‌ها، غرامت پرداخت کنند. اگر روبات بر طبق پارامترهای مشخص شده‌اش عمل نکند این نقض مربوط به سازنده روبات است، برای مثال هواپیما وی ۲۲ اسپری که توسط شرکت‌های دریانوردی آمریکا به کار گرفته شده است تا به حال ۳۰ نفر را در حوادث کشته است که نمایانگر این است که این هواپیما به دلیل طراحی ضعیف ناامن است. هر نوع رفتار خطرناک و غیرقابل پیش‌بینی روبات می‌تواند به عنوان طراحی



ضعیف تفسیر شود و می‌تواند برخی انواع جریمه را مانند فسخ قرارداد یا پرداخت غرامت را برای سازنده در پی داشته باشد. دفتر سازمان ملل متحد برای امور خلع سلاح<sup>۱</sup> استدلال می‌کند که اگر یک برنامه‌نویس عامدانه یک سلاح خودمختار را باهدف ارتکاب به اعمال مجرمانه بسازد، می‌توان این فرد را متهم به انجام این عمل ارتكابی کرد (Ahrin, 2018: 28). لازمه‌ی مسئول دانستن سازندگان، تولیدکنندگان و توسعه‌دهندگان سلاح‌های خودمختار قاتل برای عملی ارتكابی، آگاه بودن آن‌ها از قطعی بودن ارتكاب یک جرم خاص توسط این سلاح‌های خودمختار ساخته شده به دست آن‌ها است تا شرط عمل مجرمانه برآورده شود؛ و برای تحقق شرط سوءنیت نیز باید برنامه‌نویس، تولیدکننده یا توسعه‌دهنده با این دانش قبلی این سیستم را عرضه کرده باشد و از همان نیت اپراتور برخوردار باشد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اذعان دارد که برنامه‌نویس به‌دشواری می‌تواند پی ببرد که برنامه‌ها و محصولات او بعدها در چه سناریوهایی مورد استفاده قرار خواهند گرفت، اما همان‌گونه دفتر سازمان ملل متحد برای امور خلع سلاح استدلال دارد که برنامه‌نویسی که عامدانه با هدف ارتكاب جرائم اقدام به برنامه‌نویسی کرده است را می‌توان به لحاظ فنی مسئول دانست (Ahrin, 2018: 29).

این مسئولیت باعث می‌شود سازندگان تا جایی که ممکن است سیستم‌های خود را امن‌تر بسازند. هم‌چنان‌که این سیستم‌ها طوری ساخته می‌شوند که این چنین نقض‌هایی را مرتکب نشوند، مسئول قلمداد کردن شخصی که آن‌ها را طراحی یا ساخته است، دارای برخی تمایلات درونی است اما مخالفان این سیستم‌ها دو مشکل را بر نظریه مسئولیت مطلق مطرح کرده‌اند اول اینکه در مقام دفاع، سازندگان این سیستم‌ها به ندرت برای نقص‌های طراحی مسئول قلمداد می‌شوند، به ویژه زمانی که آن‌ها به خریداران این سیستم‌ها رسماً اعلام کنند که این سیستم‌ها ممکن است دچار اشتباه شوند دوماً این راهکار نیازمند این است که افراد متضرر بتوانند علیه شرکت‌های سازنده این سیستم‌ها طرح دعوی کنند. قربانیانی که از این سیستم‌ها آسیب دیده‌اند و از لحاظ مالی ضعیف هستند احتمالاً به این دلیل که فشار بیشتری بر آن‌ها تحمیل نشود طرح دعوی نمی‌کنند. علاوه بر این مشکلات، مسئولیت مطلق قائل شدن برای سازندگان این سیستم‌ها از

<sup>1</sup> United Nations Office of Disarmament Affairs



یک طرف دیگر نیز چالش برانگیز است، ضعفی که منتقدان از آن غافل مانده‌اند این است که اگر سازندگان این سیستم‌ها را بخواهیم برای اقدامات این سیستم‌ها مسئول قلمداد کنیم در این صورت آن‌ها نیز برای این که سیستم‌های ساخت خود را با حقوق بین‌الملل سازگار کنند و هم‌چنین برای ریسک‌های احتمالی همه جوانب و راهکارها را اتخاذ کنند، در این صورت باعث می‌شود بار هزینه‌های زیادی بر روی سازندگان تحمیل شود و در نتیجه هزینه تمام شده برای کشورهای مصرف‌کننده (خریداران) این سیستم‌ها بسیار افزایش می‌یابد، در نتیجه احتمال اینکه فقط کشورهایی که بودجه دفاعی بسیار بالایی دارند قادر خواهند بود این سیستم‌ها را خریداری کنند و در نتیجه کاربرد و استفاده از این سیستم‌ها غیرمنصفانه خواهد بود، افزایش نسبتاً کم در قیمت آن‌ها برای جبران ریسک‌های مسئولیت آن‌ها، احتمالاً مانع خریداران نمی‌شود. زمانی که سازندگان سیستمی را بسازند که کشورها مایل به خرید آن باشند چشم‌انداز مسئولیت ضرورتاً آن‌ها را مجاب نمی‌کند تا محصولاتشان را امن‌تر بسازند.

در ضمن کشورهای خریدار هرگز هزینه جرائم جنگی که سیستم‌هایشان مرتکب می‌شوند را تقبل نمی‌کنند زیرا ارزش افزوده این سیستم‌ها هزینه را در بین تمام خریداران تقسیم می‌کند متعاقباً هیچ خریداری منفرداً تمایلی به کاهش ریسک جرائم سیستم‌های خودمختار نخواهد داشت به دلیل این تأثیر تقسیم - هزینه، کشورهایی که از سیستم‌های خودمختارشان با دقت و یا به ندرت استفاده می‌کنند تا ریسک جرائم جنگی را کاهش دهند، کشورهایی که از آن‌ها با توجه کم‌تر به ریسک جرائم جنگی، بخشی از هزینه را متقبل می‌شوند. بنابراین کشورها تمایلی به کاهش میزان ریسک نخواهند داشت. هم‌چنین مسئولیت مبتنی بر تقصیر طراح یا سازنده، مشکلات مربوط به خود را دارد. در حالی که طراحان برای اقدامات سیستم‌های خودمختار اصل را بر آن می‌گذارند که سیستم هنوز خودمختار است بنابراین حتی دقیق‌ترین طراح هم نمی‌تواند با قاطعیت تمام تصمیماتی که ممکن است یک سیستم خودمختار در یک سناریو پیچیده جنگی اتخاذ کند را پیش‌بینی کند. در واقع ایده کلی خودمختاری بر این مبناست که سیستم‌های خودمختار عملکردهایی خارج از آنچه که طراحان آن‌ها پیش‌بینی کرده‌اند یا قصد آن را داشته‌اند، خواهند داشت. همچنان که این سیستم‌ها از تجارب و محیط اطراف خود یاد

می‌گیرند، تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند با برنامه‌ریزی اولیه و اصلی آن‌ها متفاوت خواهد بود بنابراین به دلیل اینکه این سیستم‌ها برای تصمیم‌گیری‌های مستقل به‌طور کاملاً دقیق طراحی می‌شوند مسئولیت نسبی سازنده آن‌ها در هر حالت عملاً غیرممکن می‌نماید (به دلیل فقدان کنترل یا رابطه سببیت). بنابراین مشکلات عمده قانونی، اخلاقی و عملی با هر یک از این راهکارهای پیشنهادی برای مسئولیت فردی در مواقعی که یک سیستم مستقل مرتکب جرم می‌شود، وجود دارد. هم چنان‌که به نظر می‌رسد هر یک از این راهکارها یا نامناسب یا غیرعملی هستند احتمالاً با یک خلاء مسئولیت روبرو می‌شویم که استفاده از تمام سیستم‌های خودمختار را با مصونیت همراه می‌سازد (Hammond, 2015: 666-667).

معاونت در جرم شکلی از مسئولیت است که شاید دارای بیشترین ارتباط با تولیدکنندگان، توسعه‌دهندگان و سازندگان سلاح‌های خودمختار قاتل باشد. تامسون چنگتا به عنوان یک متخصص حقوق بین‌الملل در کمیته بین‌المللی نظارت بر جنگ‌افزارهای روباتیک استدلال می‌کند که به لحاظ فنی و در چهارچوب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، می‌توان تولیدکنندگان، توسعه‌دهندگان و سازندگان را به معاونت در جرم متهم کرد. به عقیده او تمام آنچه برای مسئولیت کیفری لازم است «آگاهی از این امر است که اقدامات انجام شده توسط معاون جرم به ارتکاب یک جرم خاص توسط مجرم اصلی کمک می‌کنند»، چیزی که اثبات آن بسیار آسان‌تر خواهد بود، زیرا آن‌ها از نحوه عمل سیستم‌های خود واقف هستند. نها جین استاد دانشگاه حقوق مینسوتا نقش تولیدکنندگان، توسعه‌دهندگان و سازندگان سلاح‌های خودمختار قاتل را با قضیه آی جی فاربن در خلال دادرسی‌های نورمبرگ مقایسه می‌کند، که در آن‌ها مقرر شد شرکتی که در جنگ جهانی دوم گاز اردوگاه‌های آوارگان را تأمین کند مسئول شناخته خواهد شد. نمایندگان آی جی فاربن به برنامه‌ریزی، آماده‌سازی، شروع و برپا کردن جنگ‌های تهاجمی در دیگر دولت‌ها متهم شدند و تقریباً در تمام کیفرخواست‌ها گناهکار شناخته شدند. این اثبات می‌کند که سازنده‌ی یک محصول بکار گرفته شده در جنگ از احتمال اینکه مسئول شناخته شود، مستثنی نمی‌شود (Ahrin, 2018: 28). آنچه سازندگان، تولیدکنندگان و توسعه‌دهندگان را متمایز می‌کند این است که آن‌ها به احتمال



فراوان تقریباً از تمام چیزهایی که سلاح‌های خودمختار قاتل قادر به انجام آن‌ها هستند آگاه هستند. بنابراین آن‌ها نسبت به یک اپراتور، از ریسک مستقر کردن این تسلیحات بیشتر آگاه هستند و در نتیجه شرط سوءنیت را به آسانی تحقق می‌بخشند. با وجود این، همان‌گونه که قبلاً عنوان شد، آن‌ها از میدان عملیاتی فاصله بسیاری دارند و به احتمال زیاد میان ساخت و استقرار سلاح‌های خودمختار قاتل چندین سال فاصله باشد. در حال حاضر هیچ پاسخی به نحوه قضاوت مسئولیت کیفری بر مبنای این قضایا ارائه نشده است. به نظر می‌رسد که معاونت در جرم، شکلی محتمل از مسئولیت برای تولیدکنندگان، سازندگان و توسعه‌دهندگان است. به نظر می‌رسد از آنجاکه این امر پیش‌تر صورت گرفته است (دادرسی‌ای جی فارین)، احتمال انجام مجدد آن در صورت اثبات سوءنیت وجود دارد. اثبات سوءنیت برای تولیدکنندگان، سازندگان و توسعه‌دهندگان با همان چالش‌های موجود در خصوص اپراتور روبرو است، اما می‌توان استدلال کرد که آن‌ها باید حداقل از نحوه عمل سیستم‌های خودآگاهی داشته باشند (Ahrin, 2018: 30).

علی‌رغم این‌که توسعه‌دهندگان سیستم‌های رباتیک بخشی از نظام مسئولیت توزیع شده‌ی ارتش محسوب نمی‌شوند، اما می‌بایست در مسئولیت عملکرد متخلفانه روبات‌ها تا آنجا که منجر به نقض قوانین شوند و تا جایی که قادر به رعایت جوانب احتیاط در برابر این نقض نباشند، سهیم باشند. مقایسه برخی محققان از توسعه‌دهندگان سیستم‌های هوشمند مستقل با والدین یک انسان، قیاس مع‌الفارق و گمراه‌کننده است. بدون شک توسعه‌دهندگان روبات، قدرت بیشتری بر ماشین‌های خود نسبت به والدین بر فرزند دارند. هیچ والدی مغز فرزند خود را برنامه‌نویسی نمی‌کند، اما روبات‌ها به‌شدت به نرم‌افزار و سخت‌افزاری که توسط توسعه‌دهندگان، برنامه‌ریزی می‌شود، متکی هستند (Duffy, 2006: 12).

## ۲. مسئولیت سلاح‌های هوش مصنوعی به‌عنوان موجودیتی مستقل

عرفاً سربازانی که از قانون تخطی می‌کنند را طبق اصل برابری اخلاقی سربازان مسئول می‌دانند. این بدان معنا است که مسئولیت جنگ نه به سربازان، بلکه به اقدامات آن‌ها در جنگ نسبت داده می‌شود. علت آن این است که سربازان، به‌عنوان عاملان اخلاقی، به اندازه کافی آزاد هستند که بتوان آن‌ها را مسئول اقداماتشان دانست. یک فرد زمانی که

فارغ از هر نیروی تعیین‌کننده‌ای اراده‌ی خود را اعمال می‌کند، به اندازه‌ای کافی آزاد است و می‌توان او را یک عامل اخلاقی قلمداد کرد؛ اما باید توجه داشت که روبات یک عامل اخلاقی نیست. (Roff, 2013: 6). راه‌حل انتساب مسئولیت کیفری ناشی از نقض حقوق بشردوستانه به روبات، به چند دلیل نادرست به نظر می‌رسد. اول این‌که رفتار با روبات‌های مستقل، به‌عنوان عاملان اخلاقی، پیشنهاد بحث‌برانگیزی است که هنوز نیاز به بررسی دارد (Johnson, and Miller, 2008: 3). یک احتمال فرضی برای اینکه بتوان روبات را قانوناً مسئول رفتارش قلمداد کرد، وجود دارد. هم چنان‌که هر روباتی که امروز وجود دارد یا در طی ۱۰ تا ۲۰ سال آینده ساخته خواهد شد خیلی مبهم است که بتواند چیزی مانند قصد یا یک صلاحیت واقعی انجام عملیات را با قدرت قانونی کسب کند بنابراین انجام این در حال حاضر موضوعی پوچ و بی‌معنی خواهد بود. با این وجود در یک آینده بسیار دور زمانی که روبات‌ها بسیار هوشمندتر و مجهزتر شوند این ممکن است تغییر یابد. هنگامی که هوش مصنوعی موجود در روبات‌های خودکار به سطح هوش انسان نزدیک شود، در این صورت به‌طور بالقوه موقوف کردن هر نوع رفتار ناخواسته از طریق یک تعمیر فنی می‌تواند بسیار دشوار باشد. روبات قادر خواهد بود به صورت آزادانه تصمیم‌گیری و انتخاب کند. آیا این از لحاظ حقوقی یک مشکل خواهد بود؟ ضرورتاً نه. در واقع نهادهای غیرانسانی مانند شرکت‌ها دارای مسئولیت شخصی هستند و مانند هر شخص می‌توان آن‌ها را مسئول قلمداد کرد. روبات را می‌توان روزی به عنوان یک شخص قانونی برای اقداماتش مسئول دانست. مسئولیت روبات می‌تواند به این معنا باشد که اگر روبات قوانین حقوق بین‌الملل یا سایر حقوق انسانی را عمداً نقض کند می‌توان آن را نابود کرد یا هر نوع مجازات مناسب دیگر را برای روبات در نظر گرفت (Krishnan, 2014: 105).

برخی نیز بر این باورند که مجازات یک سلاح خودمختار غیرممکن است و جلوگیری از اقدامات غیرقابل‌پیش‌بینی آن امری دشوار است. همچنین تلاش برای تنبیه کردن یک ماشین دارای اثرات بازدارندگی محدودی خواهد بود، چراکه نمی‌توان با تنبیه کردن یک روبات، روبات دیگری را از ارتکاب جرم بازداشت. علاوه بر این همان‌گونه که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است، تنها می‌توان اشخاص حقیقی را از لحاظ



کیفری مسئول دانست. (Kastan, 2013:68) یک روبات شخصی حقیقی نیست، بنابراین نمی‌توان آن را در چهارچوب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از لحاظ کیفری مسئول دانست. باید اذعان نمود مجازات یک سلاح خودمختار به خودی خود هیچ‌یک از اهدافی را که حقوق کیفری از قبل مجازات‌ها در پی آن است، به طور کامل و مطلوب برآورده نمی‌سازد و راه‌حل انتساب مسئولیت کیفری ناشی از نقض حقوق بشردوستانه به روبات، پیشنهاد بحث‌برانگیزی است که هنوز نیاز به بررسی دارد. پر واضح است که ایده‌ی مسئولیت روبات به‌خوبی پاسخگوی مسئله‌ی مسئولیت نیست، چراکه آن‌ها فاقد هرگونه عواطف و احساسات می‌باشند که این امر باعث می‌شود هرگونه مجازاتی (مثلاً زندانی کردن) که برای آنان در نظر گرفته می‌شود بی‌معنا به نظر برسد.

### ۳. مسئولیت شرکت‌ها

راه‌حل دیگر این است که شرکت‌هایی که چنین سیستم‌هایی را تولید کرده و آن‌ها را به فروش رسانده یا توزیع می‌کنند و یا قطعات و سیستم‌های کمکی را فراهم می‌آورند را از نظر کیفری مسئول اعمال ارتكابی این سیستم‌ها دانست. در مباحثات امروزی پیرامون مسئولیت سیستم‌های خودمختار، به مسئولیت شرکتی اغلب عنوان مسئولیت تولیدکنندگان اطلاق می‌شود. در برخی از حوزه‌های قضایی این امکان وجود دارد که زیان دیدگان به خاطر آسیب‌های ناشی از محصولات تولیدشده و عرضه‌شده توسط شرکت‌ها، علیه مسئولیت محصول در محاکم مدنی اقامه دعوی کنند. این خسارت‌ها می‌تواند ناشی از طراحی یک قطعه و یا طرح کلی یا نقوص مرتبط با تولید باشد و شامل اشکال مختلفی از قصور، از جمله کاستی‌های تولیدکننده در فراهم کردن راهنمایی‌های لازم در خصوص استفاده و مراقبت به همراه محصول باشد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که تا زمانی که طراحی و تولید کردن سلاح‌ها قانونی است، نمی‌توان شرکت‌ها را مسئول قصور افراد و دولت‌ها در استفاده از سیستم‌های سلاح خودمختار به شیوه‌های مطابق با احکام قانونی موجود دانست. علاوه بر این، اگر یک تولیدکننده، خریدار را از احتمال و نیز ماهیت صدمات ممکن در خلال استفاده از محصول مطلع کرده باشد، اثبات قصور و بهره‌گرفتن از مسئولیت محصول جهت اقامه دعوی بر مبنای مسئولیت تولیدکننده امری دشوار و حتی شاید غیرممکن، باشد (Malik, 2017:637). تعقیب

کیفری شرکت‌ها دارای چالش‌های بسیار بیشتری است. بیشتر نهادهای حقوقی کیفری بین‌المللی، از جمله دیوان کیفری بین‌المللی، دارای صلاحیت قضایی‌ای هستند که تنها در مورد اشخاص حقیقی قابل‌اعمال است. مشهور است که حقوق بین‌الملل در مطالبه کردن مسئولیت کیفری شرکت‌ها مردد بوده است، به‌رغم اینکه مقامات مدیریتی بلندپایه‌ی شرکت‌ها در گذشته به خاطر ظرفیت‌های فردی خود در تولید ابزاری که ارتکاب جرائم جنگی را استمرار بخشیده‌اند، متهم شده‌اند و در نتیجه به لحاظ کیفری مسئول شناخته شده‌اند. به هر حال می‌توان در صورت اثبات سونیت برای جرائم جدی مانند قتل عام که توسط این سیستم‌ها صورت می‌پذیرد مجازات‌هایی همچون جریمه، ممنوع کردن ادامه‌ی فعالیت، لغو مجوز، مصادره و اقداماتی از این قبیل برای شرکت‌ها در نظر گرفت.

مسئول شناختن شرکت‌ها در قبال نقض‌های صورت گرفته توسط سیستم‌های خودمختار، دارای مزایای خاص خود است، که کمترین آن‌ها ایجاد یک لایه نظارتی بیشتر در تضمین تولید سلاح‌های با کیفیت بالا و مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل است.

#### ۴. مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال جرائم ارتکابی سلاح‌های هوش مصنوعی

بر اساس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، می‌توان به مسئولیت دولت در قبال اقدامات ارگان‌های ذی‌ربطش استناد جست. همچنین مطابق با ماده ۹۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو، دولت متخاصم به‌واسطه‌ی اعمال ارتکابی افراد متعلق به نیروی نظامی خود مسئول است (Ranjbarian, 2018: 79). به لحاظ تئوری، مسئولیت دولت این قابلیت را دارد که مسئله‌ی مسئولیت را حل کند. به‌عنوان یک موضوع اولیه، ایده مسئولیت دولت به خوبی در حقوق بین‌الملل پایه‌گذاری شده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل این مفهوم را در مواردی در مورد مسئولیت دولت‌ها بیان کرده است که به موجب آن «هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت، منجر به مسئولیت بین‌المللی دولت می‌شود». همچنین عمل متخلفانه بین‌المللی یک دولت شامل فعل یا ترک فعلی است که: الف) به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت باشد. ب) نقض تعهدات بین‌المللی دولت باشد. یک فعل قابل انتساب به یک دولت است زمانی که توسط یک ارگان از آن دولت، انجام‌گرفته باشد و این قطعاً شامل نیروهای نظامی و آژانس‌های

جاسوسی آن دولت نیز می‌شود، با در نظر گرفتن اینکه سیستم‌های خودمختار تحت صلاحیت این ارگان‌ها عمل می‌کنند، بنابراین اقدامات آن‌ها قابل انتساب به دولت خواهد بود (Hammond, 2015: 668). از دیدگاه حقوقی، مسئولیت دولت حداقل از لحاظ تئوری یک راهکار عملی است. علاوه بر این، مسئولیت دولت بر مسئولیت فرمانده، طراح یا سازنده ارجحیت دارد. هدف اصلی مواد مسئولیت، افزایش میزان مطابقت با تعهدات بین‌المللی است هم‌چنین این مواد قابل‌تعمیم به حیثه جرائم سیستم‌های خودمختار است. اگر دولت‌ها بدانند که برای جنایات جنگی سیستم‌های خودمختارشان مسئول قلمداد می‌شوند آن‌ها در ابتدا به بررسی مزایای استفاده از این سیستم‌ها در مقابل هزینه‌های مربوط به مسئولیت می‌پردازند و اطمینان حاصل می‌کنند که استفاده از این سیستم‌ها منطبق با حقوق بین‌الملل باشد و آن را نقض نکند. به‌ویژه دولت می‌تواند سازندگان و طراحان را با ایجاد محدودیت‌ها و قرار دادن استانداردهایی مجبور کند تا سیستم‌های مطمئن‌تری تولید کنند. هم‌چنین دولت می‌تواند صلاحیت‌های فرماندهان رادر به‌کارگیری این سیستم‌ها از طریق اعمال خط‌مشی‌هایی محدود کند. بنابراین به این دلیل که دولت می‌تواند امکان ساخت و طراحی بهتری را فراهم کند و هم صلاحیت فرماندهان را محدود کند، در بهترین وضعیت برای مقابله با جرائم بین‌المللی این سیستم‌ها است، هم‌چنین برای پاسخگو بودن در برابر ریسک‌های مسئولیت، دولت در بهترین حالت قرار دارد.

از نقطه نظر اخلاقی، دولت مقصر اصلی در استفاده از این سیستم‌هاست که به طور غیرقابل‌پیش‌بینی می‌تواند حقوق بین‌الملل را نقض کند (یعنی در صورت فقدان قصد یا تقصیر می‌توان دولت را مسئول قلمداد کرد). در مجموع این دولت است که در مرحله نخست تصمیم به استفاده و به‌کارگیری این سیستم‌ها می‌کند. با در نظر گرفتن خطرات ذاتی در به‌کارگیری این‌گونه تسلیحات، این انتخاب باعث می‌شود تا از منظر اخلاقی، امکان مقصر شناخته شدن دولت نسبت به سازندگان، که تنها پاسخگوی مطالبات و خواست‌های دولت هستند و فرماندهان، که صرفاً خط‌مشی اتخاذی دولت را دنبال می‌کنند، بیشتر باشد. دولت با اعمال کردن کنترل خود بر خرید و مراحل آماده‌سازی استفاده از روبات، به مناسب‌ترین گزینه برای پذیرش تصمیم‌گیری‌های خود در قبال



به‌کارگیری این سیستم‌ها تبدیل می‌شود و در نتیجه مقصر اصلی قلمداد می‌شود. نظام حقوق بین‌الملل، به‌رغم فراز و نشیب‌های بسیار، هنوز نتوانسته «مسئولیت کیفری دولت‌ها» را شناسایی کند. برخی جرائم تحت صلاحیت حقوق بین‌الملل کیفری (مانند جنایت علیه صلح، تجاوز، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت)، بدون پشتیبانی و حمایت دولت‌ها امکان ارتکاب پیدا نمی‌کنند. از این‌رو، تعهد به تضمین موجود در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، با ایجاد ارتباط میان مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مقررات حقوق بشردوستانه ناظر بر تخلفات احتمالی در حین مداخلات مسلحانه (با مباشرت افراد)، کاستی موجود در حقوق بین‌الملل کیفری را به نحوی جبران و مقرر می‌کند که دولت‌ها نه تنها خود متعهد به رعایت مقررات حقوق بشردوستانه هستند بلکه تعهدی مضاعف نسبت به تضمین رعایت این مقررات توسط دیگران نیز دارند (Delkhosh, 2011: 28).

یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل، که قواعد آن عمدتاً جنبه عرفی دارند، حقوق مسئولیت بین‌المللی است. کمیسیون حقوق بین‌الملل، به منظور تدوین قواعد عرفی مزبور، مسئول تهیه «طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اقدامات متخلفانه بین‌المللی» شد، ولی این طرح که در سال ۲۰۰۱ و در نتیجه‌ی تلاش پنجاه‌ساله‌ی کمیسیون حقوق بین‌الملل نهایی شد، از این شانس که تبدیل به یک کنوانسیون بین‌المللی شود، برخوردار نشد؛ اما از آنجایی که این طرح تا حدود بسیاری، انعکاس دهنده‌ی قواعد عرفی بین‌المللی در حوزه‌ی مسئولیت دولت‌هاست، همچنان بر تمامی شاخه‌های حقوق بین‌الملل سایه افکنده است (Shamsaei and Salimi, Turkmani, 2008: 5). قاعده کلی در مورد مسئولیت دولت آن است که تنها رفتار قابل انتساب به دولت در سطح بین‌المللی، رفتار ارگان دولت یا رفتار اشخاصی است که تحت هدایت، دستور یا کنترل آن ارگان یعنی مأموران دولتی عمل کرده‌اند. حداقل از لحاظ تئوری، مسئولیت دولت این قابلیت را دارد که این مشکل مسئولیت را حل کند. به عنوان یک موضوع اولیه، ایده مسئولیت کشور به خوبی در حقوق بین‌الملل پایه‌گذاری شده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل این مفهوم را در مواردی در مورد مسئولیت کشورها بیان کرده است که به موجب آن «هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت، منجر به



مسئولیت بین‌المللی دولت می‌شود». همچنین عمل متخلفانه بین‌المللی یک دولت شامل فعل یا ترک فعلی است که: الف) به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت باشد ب) نقض تعهدات بین‌المللی دولت باشد. یک فعل قابل انتساب به یک دولت است زمانی که توسط یک ارگان از آن دولت، انجام گرفته باشد و این قطعاً شامل نیروهای نظامی و آژانس‌های جاسوسی آن کشور نیز می‌شود، با در نظر گرفتن آنکه سیستم‌های خودمختار تحت صلاحیت این ارگان‌ها عمل می‌کنند، بنابراین اقدامات آن‌ها قابل انتساب به دولت خواهد بود. زمانی که فعل یک معاهده دوجانبه یا چندجانبه و یا یکی از نرم‌های حقوق موضوعه یا حقوق بشر یا بشر دوستانه را نقض کند یک کشور را می‌توان طبق مواد مسئولیت، مسئول قلمداد کرد. از یک نقطه نظر قانونی، مسئولیت دولت حداقل از لحاظ تئوری یک راهکار عملی است. علاوه بر این از لحاظ قانونی، مسئولیت دولت بر مسئولیت فرمانده، طراح یا سازنده ارجحیت دارد. هدف اصلی مواد مسئولیت - افزایش میزان مطابقت با تعهدات بین‌المللی است همچنین این مواد قابل تعمیم به حیطه جرائم سیستم‌های خودمختار است. اگر دولت‌ها بدانند که برای جنایات جنگی سیستم‌های خودمختارشان مسئول قلمداد می‌شوند آن‌ها در ابتدا به بررسی مزایای استفاده از این سیستم‌ها در مقابل هزینه‌های مربوط به مسئولیت می‌پردازند و ثانیاً آن‌ها اطمینان حاصل می‌کنند که استفاده از این سیستم‌ها منطبق با حقوق بین‌الملل باشد و آن را نقض نکند. چون که خود دولت‌ها تمام هزینه‌های جرائم ارتكابی توسط سیستم‌هایشان را متقبل می‌شوند تا اینکه این هزینه را میان تمام خریداران از طریق مسئولیت مطلق سازنده تقسیم کنند. به ویژه دولت می‌تواند سازندگان و طراحان را با ایجاد محدودیت‌ها و قرار دادن استانداردهایی مجبور کند تا سیستم‌های مطمئن‌تری تولید کنند. همچنین دولت می‌تواند صلاحیت‌های فرماندهان را در به‌کارگیری این سیستم‌ها از طریق اعمال خط‌مشی‌هایی محدود کند بنابراین به این دلیل که دولت می‌تواند ساخت و طراحی بهتری را فراهم کند و هم صلاحیت فرماندهان را محدود کند، در بهترین وضعیت برای مقابله با جرائم بین‌المللی این سیستم‌ها است، همچنین برای پاسخگو بودن در برابر ریسک‌های مسئولیت، دولت در بهترین حالت قرار دارد. از نقطه نظر اخلاقی کشور مقصر اصلی در استفاده از این سیستم‌هاست که به طور

غیرقابل پیش‌بینی می‌تواند حقوق بین‌الملل را نقض کنند (یعنی در صورت فقدان قصد یا تقصیر می‌توان دولت را مسئول قلمداد کرد). من‌حیث‌المجموع این دولت است که در مرحله نخست تصمیم به استفاده و به‌کارگیری این سیستم‌ها می‌کند، با در نظر گرفتن ریسک ذاتی در به‌کارگیری این سیستم‌ها این راهکار در به‌کارگیری سیستم‌ها دولت را از لحاظ اخلاقی نسبت به سازندگان که صرفاً به نیاز دولت‌ها پاسخ می‌دهند مقصر اصلی همان دولت‌ها می‌باشند. با در نظر گرفتن اینکه دولت هم بر خرید و هم در به‌کارگیری این سیستم‌ها نظارت دارد بنابراین دولت به مهم‌ترین بازیگر برای تقبل هزینه‌هایی که برای تصمیم‌گیری در مورد به‌کارگیری این سیستم‌ها اتخاذ می‌کند، است و نتیجتاً مقصر اصلی قلمداد می‌شود. به دلایل مشابه رژیم مسئولیت مطلق در عمل بر رژیم مسئولیت مبتنی بر تقصیر در مسئول قلمداد کردن دولت برای جرائم ارتكابی توسط این سیستم‌ها، ارجحیت دارد. صاحب‌نظران معتقدند که مسئولیت مطلق اغلب بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر ارجحیت دارد به‌ویژه زمانی که یک فعل خاص ریسک‌ها و مزایای متفاوتی ایجاد می‌کنند (Hammond, 2015: 668).

##### ۵. نقش نهادهای قضایی بین‌المللی

اساساً نظارت قضایی بر فعالیت‌های دولت‌ها باید از طریق نهادهای بین‌المللی تضمین شود. ولی با توجه به اینکه سازوکارهای بین‌المللی معمولاً دارای یک نقش فرعی و مکمل هستند و تنها در صورت عدم کارکرد صحیح سازوکارهای ملی است که به جریان انداخته می‌شوند. امروزه، چندین نهاد قضایی در سطح بین‌الملل وجود دارند که می‌توانند، هر یک به طرق گوناگون، پرونده‌های مربوط به به‌کارگیری سلاح‌های خودمختار را بررسی کنند.

##### ۱-۵. نقش در دیوان بین‌المللی دادگستری

ویژگی‌های این نهاد حقوقی عبارت است از: اینکه دیوان دارای دو نوع صلاحیت ترافعی و مشورتی است که در چهارچوب صلاحیت ترافعی صرفاً دولت‌ها و آن‌هم مشخصاً در حوزه مسائل حقوقی و نه کیفری و یا سیاسی حق اقامه دعوی را آن‌هم پس از اعلام رضایت طرفین یا اطراف دعوی دارند؛ و نحوه و روش‌های پذیرش صلاحیت دیوان هم به یکی از طرق زیر امکان‌پذیر است یک: دو روش مربوط به پذیرش

صلاحیت دیوان پیش از بروز دعوی است که به آن شیوه‌های پذیرش صلاحیت اجباری دیوان گفته می‌شود که ۱ - شامل صدور یک اعلامیه یک‌جانبه ۲ - عضویت در یک معاهده بین‌المللی مشروط بر اینکه آن معاهده صلاحیت دیوان به‌عنوان مرجع رسیدگی‌کننده به اختلافات احتمالی بین اعضای متعاقد آن معاهده را در چهارچوب مفاد آن معاهده داده باشد، است. روش سوم هم پذیرش صلاحیت دیوان بعد از بروز دعوی بین دولت‌ها است که به آن پذیرش صلاحیت اختیاری دیوان می‌گویند.

## ۲-۵. دیوان کیفری بین‌المللی

این دیوان رسماً در اول ژوئیه ۲۰۰۲، مقارن با لازم‌الاجرا شدن اساسنامه رم، ایجاد شد دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند به مسائل مربوط به مسئولیت کیفری بین‌المللی در رابطه با به‌کارگیری روبات‌های بدون سرنشین در جنگ رسیدگی کند. بنابراین، در چهارچوب حدود صلاحیت قانونی خود، این دیوان می‌تواند اتهامات مربوط به جرائم جنگی، جنایات علیه بشریت و در آینده، ارتکاب جنایت تجاوز در ارتباط با تسلیحات خودمختار را بررسی کند. دیوان می‌تواند صلاحیت قانونی خود را در سه مورد اعمال کند: اگر متهم تبعه‌ی دولت طرف اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی باشد؛ اگر جرم ادعایی در قلمرو دولت عضو رخ داده باشد (شامل کشتی‌ها یا هواپیماهای ثبت‌شده)؛ یا اگر شورای امنیت سازمان ملل وضعیتی را به دیوان ارجاع داده باشد. از سوی دیگر صلاحیت رسیدگی به جنایات بین‌المللی مقرر در اساسنامه‌ی دیوان، در وهله‌ی اول با مراجع قضایی داخلی و پس‌از آن، دیوان صلاحیت رسیدگی دارد. در واقع صلاحیت دیوان جنبه‌ی تکمیلی دارد و تنها زمانی قابل‌اعمال است که دادگاه‌های ملی مایل یا قادر به رسیدگی کردن یا تحت تعقیب قرار دادن مجرمان نباشند. دیوان می‌تواند این مجازات‌ها را اعمال کند: مجازات حبس که نباید از سی سال تجاوز کند و یا در موارد خاص و استثنایی، مجازات حبس ابد و در صورت لزوم جزای نقدی (Ziai : 269; Begdoli, 2016). توسعه تسلیحات خودمختار امری اجتناب‌ناپذیر است، در عین حال توسعه قوانین موجود در جهت کنترل قرار دادن آن‌ها، پیشرفتی نداشته است. یکی از ایراداتی که به اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان وارد کرد این است که مخاطب قوانین این اساسنامه انسان‌ها هستند و در آن پیشرفت‌های آتی در حوزه هوش

مصنوعی که تسلیحات را قادر می‌سازند مستقل از کنترل انسانی عمل کنند مدنظر قرار نگرفته است. لذا برای رفع این خلع بایستی همان‌طور که در ماده‌ی ۱۲۳ اساسنامه دیوان پیش‌بینی شده است اصلاحاتی در اساسنامه صورت پذیرد.

### ۳-۵. نهادهای بین‌المللی حقوق بشری

در پایان اینکه قربانیان زیان‌دیده از اقدامات این سیستم‌ها می‌توانند نزد نهادهای حقوق بشری جهانی و منطقه‌ای اقامه دعوی کنند. از منظر اجرا، لازم به یادآوری است که تقدم و اولویت حقوق بشردوستانه بین‌الملل در پی اقدامات خصمانه منجر به تعلیق قابلیت اعمال نظام حقوق بشر نخواهد شد، بلکه صرفاً تفسیر آن را تعیین می‌کند. در نتیجه، تلفات جنگی ناشی از تخطی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی به مثابه تخطی از حق زندگی است و در نتیجه می‌توان آن‌ها را نه تنها به عنوان جرائم جنگی بالقوه، بلکه از طریق رویه‌های طرح دعوی مقرر در معاهدات حقوق بشری مربوطه، پیگیری کرد. بر این اساس دادگاه حقوق بشر اروپا چندین پرونده حقوق بشری مربوط به به‌کارگیری نیروی مرگبار در عملیات‌های جنگی، از جمله حملات هوایی‌های نظامی در موقعیت‌های نبرد مسلحانه غیر بین‌المللی را داوری کرده است. با وجود این، در بسیاری از پرونده‌ها، پرسش صلاحیت قانونی، خاصه در خصوص حملات پهبادی برون‌مرزی، به احتمال زیاد دشوارترین موضوع خواهد بود. همچنین، سوی اقدامات خصمانه، ممنوعیت‌های حقوق بشری بر «قتل»، «کشتار عمدی» و اعدام‌های فرا قضایی معلق نمی‌شوند، بلکه، در نبود ضوابط دقیق در خصوص استفاده قانونی از زور در حقوق بشردوستانه، شاید لازم باشد در تطابق با نظام حقوق بشر قابل اجرا تفسیر شوند. در نتیجه هر گونه تخطی از حق زندگی به دلایل مربوط به مخاصمات مسلحانه به مثابه تخطی از حقوق بشردوستانه نیز است و بسته به موقعیت و شرایط، ممکن است به عنوان جرائم جنگی محسوب شوند. بنابراین نهادهای قضایی مختلف ذاتاً نقش مکمل را دارند تا نقشی رقابتی. (Melzer, 2013: 43)

### نتیجه‌گیری

تقریباً امری مسلم است که سیستم‌های مجهز به هوش مصنوعی در آینده، حقوق بین‌الملل را نقض خواهند کرد. امروزه در حملات پهبادا که تحت نظارت و کنترل



انسان‌ها صورت می‌گیرد بارها اتفاق افتاده است که مکان‌ها و اشخاصی به اشتباه مورد هدف قرار گرفته‌اند. حال دنیایی را تصور کنید که یک سیستم هوش مصنوعی بدون نظارت و کنترل انسان، مرتکب خطایی فاحش همچون حمله‌ای اتمی گردد، در این صورت چه چیزی در انتظار سرنوشت انسان‌ها خواهد بود. همچنین سلاح‌های مجهز به هوش مصنوعی فاقد ترحم و قدرت داوری اخلاقی خواهند بود و آن‌ها در احترام گذاشتن به زندگی انسان‌ها با چالش‌های مهمی مواجه خواهند بود. شاید بهترین راهکار ممکن این است که انسان هیچ‌گاه از تصمیم‌گیری نهایی این سیستم‌ها کنار گذاشته نشود و یا می‌توان از این سیستم‌ها تنها برای مصارف پزشکی در عملیات‌های نظامی یا برای خلع سلاح و دستگیری افراد نظامی و مواردی از این قبیل، در میدان‌های نبرد استفاده کرد بدون اینکه آن‌ها قادر باشند از قدرت کشتار خود استفاده کنند. در این شرایط این سیستم‌ها ضمن اینکه منافع نظامی بسیاری خواهند داشت، قادر به آسیب رساندن به افراد نخواهند بود و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نیز نقض نخواهند کرد. در غیر این صورت ممکن است انسان‌ها نیز به سرنوشتی مشابه با سرنوشت فرانکنشتاین<sup>۱</sup> دچار شوند. به طور کلی، تمامی پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که چنانچه انسان بر فن‌آوری مسلط نباشد و اجازه دهد که پیشرفت‌های فن‌آوری بر او چیره شود، توسط آن نیز نابود خواهد شد. از این‌رو، اگرچه سلاح‌های مجهز به هوش مصنوعی می‌توانند وظایف خود را بدون نظارت انسان به انجام برسانند، اما دخالت انسان در تمام مراحل برای هدف‌گیری و شلیک امری ضروری است. به همین دلیل نیز واگذاری استقلال کامل به این سیستم‌ها، برای تصمیم‌گیری در خصوص مرگ یا حیات انسان‌ها، امری غیرعقلانی به نظر می‌رسد. چرا که در حوزه‌ی تولید و توسعه تسلیحات، هدف ساخت نابودگر نیست. این مفاهیم مؤید این ادعا است که باید از کاربرد سیستم‌های مجهز به

<sup>۱</sup> فرانکنشتاین دانشمند جوان و جاه طلبی است که با استفاده از کنار هم قرار دادن تکه‌های بدن مردگان و اعمال نیروی الکتریکی، جانوری زنده به شکل یک انسان و با ابعادی اندکی بزرگ‌تر از یک انسان معمولی می‌سازد. موجودی با صورتی مخوف و ترسناک که بر همه جای بدنش رد بخیه‌های ناشی از دوختن به چشم می‌خورد. این موجود تا بدان حد وحشتناک است که همگان، حتی خالقش از دست شرارت‌های او فرار می‌کنند. هیولایی که خالقش نیز نمی‌تواند آن را کنترل کند و خود مقهور آن می‌شود.

هوش مصنوعی، جز در موارد فوق‌الذکر، پیشگیری شود، اما دولت‌های صاحب صنایع دفاعی بزرگ، به احتمال زیاد موافق چنین راه‌حلی‌هایی نخواهند بود. به‌خصوص با توجه به مزایای آن‌ها برای دولت‌هایی که از آن‌ها استفاده خواهند کرد. هم‌اکنون معاهده‌ای که مستقیماً قوانین مربوط به سیستم‌های هوش مصنوعی را پوشش دهد وجود ندارد. از این رو می‌توان این موضوع را مطرح کرد که در صورت نبود معاهده یا رویه خاص ممنوع‌کننده یک سلاح، نمی‌توان آن را ممنوع دانست، به‌خصوص با استناد به رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، که به‌کارگیری جنگ‌افزارهای هسته‌ای با وجود ایجاد آثار زیان‌بار شناخته‌شده‌ی بسیار، به‌صراحت منع یا تأیید نشده است و از این رو به طریق اولی نمی‌توان کاربرد سلاح‌هایی همچون سلاح‌های خودمختار را که آثار مبهمی دارند، ممنوع دانست. باید گفت که کارایی نظامی سلاح‌های هوش مصنوعی با سلاح‌های هسته‌ای قابل قیاس نیست و لذا می‌توان گفت آنچه احتمالاً موجب صدور رأی مزبور در خصوص سلاح‌های هسته‌ای شده، در مورد سلاح‌های هوش مصنوعی صادق نیست. استفاده یک دولت از سیستم‌های هوش مصنوعی نیازمند آن است که در گستره‌ی وسیعی با حقوق بین‌الملل بشردوستانه و هم‌چنین حقوق بشر مطابقت داشته باشد. با در نظر گرفتن این نکته که اسناد مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمانی تدوین شده‌اند چنین سیستم‌های وجود نداشته است بدیهی است که اعمال آن اسناد بر این سیستم‌های نوین با چالش‌هایی روبرو خواهد بود. برای غلبه بر این چالش‌ها باید تفاسیری جدید برخی قواعد، مقررات و تعاریف موجود در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مانند تعریف مجدد سلاح‌ها و ... صورت پذیرد. از سوی دیگر چنین تسلیحات هوش مصنوعی باید دارای سیستم‌های هدف‌گیری و قوه‌ی تمیزی باشند که با توانایی‌های هدف‌گیری انسان‌ها برابر یا از آن برتر باشند.

- Ahrin, K. (2019). Lethal autonomous robots and the accountability gap in international criminal law. *Faculty of law*, 10(22), 29-30
- Crootof, R. (2015). War torts: Accountability for autonomous weapons. *University of Pennsylvania Law Review*, 164, 1347.
- Delkhosh, A. (2011). Various Aspects of Responsibility in International Criminal Law. *International Law Review*, 28(27), 223-262. (In persian)
- Duffy, B. R. (2006). Fundamental issues in social robotics. *The International Review of Information Ethics*, 6(5), 31-36.
- Ebrahim Gol, A. (2012). *The international responsibility of the government: text and description of the articles of the International Law Commission*. Institute of Legal Studies and Research in Shahrdanesh . (In persian)
- Hammond, D. N. (2014). Autonomous weapons and the problem of state accountability. *Chicago Journal of International Law*: Vol. 15: No. 2, 652-655
- Johnson, D. G., & Miller, K. W. (2008). Un-making artificial moral agents. *Ethics and Information Technology*, 10, 123-133.
- Kastan, B. (2013). Autonomous Weapons Systems: A Coming Legal "Singularity"? *Chicago Journal of International Law*: Vol. 15: No. 2. 68-69
- Malcolm, Sh. (2014). *International law: international responsibility of the government and individual criminal responsibility*. Translation of the nomenclature. Tehran: Khorsandi. (In persian)
- Malik, S. (2017). Autonomous weapon systems: The possibility and probability of accountability. *wisconsin international law journal*, 35, 609-610.
- Melzer, N. (2013). Human rights implications of the usage of drones and unmanned robots in warfare. *policy department dg external policies*, p.43
- Ranjbarian, A. H. (2018). The Observance of International Humanitarian Law by Autonomous Military Robots and the Responsibility for Their Actions. *International Law Review*, 35(59), 63-84. (In persian)
- Roff, H. M. (2013). *Killing in war: Responsibility, liability, and lethal autonomous robots*. In Routledge Handbook of Ethics and War (pp. 352-364). Routledge.
- Shamsaei, M and Salimi Turkmani, H. (2008). Reflection on International Responsibility of States for Violation of International Humanitarian Rights. *Islamic Law*, 5(17), 179-205. (In persian)
- Ziai Begdoli, M. (2016). *General international law*. Tehran: Ganj Danesh. (In persian)